

آزادی ایران

۴

آزادیخواهان ایران متحد شوید!

اسفند ۱۳۶۳

بها: ۵ فرانک

درباره ماهیت ادغام دین و سیاست

جمشید آریانه‌پور

۱- آیا هدف وسیله را توجیه میکند؟

نسبت به مذ‌هب و تعصبات کوران - تحت
لوای دولت اسلامی - آگاه و هوشیار نماید.
گوا اینکه مردم ایران متحمل ضربات و شداید
جبران‌ناپذیری شده‌اند، اما بزرگترین
درسهای عینی و ملموس را می‌آموزند، تا
خود فراگیرند که ادغام دین و سیاست و
دولت تا چه‌اندازه می‌تواند کشوری را بسوی
قهقرا و سقوط سوق دهد. در عین حال باید
متذکر شد که خواندن خروارها کتاب و جزوه
بقیه در صفحه ۴

پدید می‌آید که آرمان رژیم جمعی -
اسلامی (ر.ج. ۱۰) در تاریخ طولانی و
پراز فرازونشیب ایران از آن جهت حائز
اهمیت است که اکنون اکثر طبقات و اقشار
مردم با گوشت و پوست خود می‌توانند نقش
واقعی یک دولت مذهبی را در سرنشست
سیاسی کشور خویش تجربه کنند. در جامعه
عقب مانده، مذهبی و خرافاتی ایران حتی
بهترین کتابهای آموزشی و روشنفکرانه
نیز نمیتوانست تا این اندازه مردم را

بیاد مصدق!



هرگز نقش توازن دل و جان نرود
هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود
آنچه از بارغمت بردل مسکین منست
برود این دل من و زدل من آن نرود

**

ماد رهنگای از مصدق یاد می‌کنیم که
ایران از دست رفته است! و در تنگنای زمان
یاد کمتر کسی چون او می‌تواند بردل لیسای
شکسته و دغدغه‌ها را مرهمی باشد. ما ایرانیان
عادت داریم در روبرو شدن با مصائب و
سختی‌های بسوی کسی و یا نیروی بزرگ روی
آوریم تا غم دل بگشاییم و از او مدد جوئیم. اما
کسی را فریاد رسی نیست! پس چه کسی
بهتر از مصدق و آرمانهای او می‌تواند نغمه گمار
ما باشد و در راه صعب العبور، پریچ و خم
بقیه در صفحه ۲

گفتگویی با:

یک پناهنده سیاسی

همانطوریکه قبلاً به اطلاع خوانندگان
عزیز رساند می‌بودیم، در این شماره به رج
گفتگویی با یکی از هموطنان پناهند سیاسی
خواهیم برداخت. در ذیل متن ایسن
گفتگو و نظر خوانندگان میگذرد.

س: دوست عزیز می‌خواهیم استیم خواهش
کنیم تا آنجا که برایتان ممکن است توضیح
دهید چه وقت تصمیم به ترک ایران گرفتید؟
بقیه از صفحه ۲

خبرها و گزارشها:

- * جشن حزب در مکران
- * جلسه محاهدین خلق
- * گرد همایی نهضت مقاومت
- * تظاهرات سازمان مجاهدین
- * جلسه چریکهای (اقلیت)
- * "قراخوان" گروههای فعال در "رسته"
- * برنامه چریکهای اکثریت
- * جلسه سخنرانی و بحث
- * تظاهرات روز ۲۲ بهمن
- * مراسم "روز کومه"

در صفحه ۸

بقیه از صفحه ۱

بیاد مصدق!

و نارفته‌های که در مقابل ماست گرهی از کارمان بگشاید؟ چرا مصدق؟ زیرا مصدق فرزند واقعی ملت و میهن پرست بزرگی بود که در یکی از بحرانی ترین دوران آنچه را که در توان داشت بکاربرد تا کشتی طوفانزده ایران را بساحل پیروزی رساند. چرا مصدق؟ زیرا در منطقه‌های استراتژیک و فوق العاده حساس و در کشوری تحت ستم و اوشان داد که میتوان برخلاف آن کسانی که دل در گرو قدرت‌های بیگانه و "حمایت" و "دلسوزیهایشان" بسته اند، در راه آزادی و استقلال میهن مبارزه کرد و تسلیم نشد!

این امر مصدق و یارانش با ملی کردن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به مرحله اجرا گذارند. آنان ثابت کردند: که مردم یک کشور آسیائی ضعیف میتوانند در مبارزه برای کسب حاکمیت ملی و استقلال اقتصادی و سیاسی در مقابل دولت‌های قدرتمند استعماری ایستادگی کنند و پیروز شوند. ملی شدن صنعت نفت پیروزی بزرگی برای ملت ایران بود. اما این پیروزی مدت زیادی بطول نیانجامید. زیرا مصدق و یارانش در عرصه مبارزه با عدو پر خورده‌اری از یک اندیشه صحیح و روش علمی فاقد آن تشکل سازماندهی بودند که ضامن اصل و حیات و رشد یک جنبش ملی، مترقی و آزاد یخواهانه است. مشکلی که متأسفانه تمام نیروهای ملی با آن مواجه هستند. از طرفی آن نیروهائی که ادعیه رهبری مبارزات "ضد امپریالیستی" را داشتند، این مرد بزرگ را "عامل سرسپرد" امپریالیسم آمریکا" خواندند. و نتوانستند در آن دوران بحرانی بیاری اوشتابند. زیرا آنان بدلیل گوناگونی در آرای شناخت صحیح و علمی از نیروها و جنبشهای ملی در کشوری وابسته چون ایران نبود هونمی توانستند بطور مستقل اوضاع و شرایط ایران را مورد ارزیابی قرار

دهند. امروز پس از گذشت چندین دهه ما در شرایطی بسر میبریم که یک رژیم مذہبی فاشیستی بر میهن ما حاکم است و از همان ابتدا ای روی کار آمدنش کمربندنا بودی ملیت و هرگونه هویت ملی بسته تا بتواند آرزوی آن کسانی را که در طی سالیان دراز در مصدق نابودی ایران و ایرانی بود هاند بر آورد کند. این درهنگامی است که اپوزیسیون ایران به دها گروه تقسیم شد و اکثر ابعلمت عد موجود روابط د مکرراتیک درونی و عد پر خورده‌اری از یک تئوری روشن و آزاد یخواهانه، مترقی و ملی - که بتواند جد از کلی گوئی‌ها و شعارها در مبارزه با رژیم عملا شیوه‌های صحیح را اتخاذ کند - قادر نیستند مشکلات کنونی را حل نموده و رژیم اسلامی را سرنگون کنند.

ما در حالی از مصدق یاد میکنیم که مشکلات کنونی چون کوهی رود در روی ما قرار دارد و با چند شعار، سخنرانی، فیلم و راهپیمائی نمیتوان این کوه را از پیش پای برداشت. باید در فکر جاره اساسی بود. زمان بسرعت سپری میشود و ما در مقابل ملت ایران مسئول و جوابگو هستیم. تاریخ یکبار دیگر کلیه آزاد یخواهان، نیروهای ملی و مترقی را مورد آزمایش قرار داده است. پس بیاییم با بهره گرفتن از آمارنامه‌های والای مصدق، شہامت و جسارت او و تجربیات زمانش، زنجیرهای روابط غلط و انحرافی که بدست و پهای خود زد ه ایم، یاره کنیم. از شجاعت و سرسختی آن راد مرد بزرگ آموخته و با هر نیرو و جریانی که سدر راه آزادی ایران است به مقابله برخیزیم. یاد مصدق یاد عزیزی است که آمارنامه‌های آزاد یخواهانه، ملی و استقلال طلبانه او میتواند مشوق مبارزات کنونی ما باشد. یادش گرامی و خاطر هاش جاودان باد.



بقیه از صفحه ۱

گفتگویی با یک پناهنده سیاسی

ج : من حدود ۳ سال پیش یعنی پس از جریانات ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و فرار آقایان بنی صدر و رجوی به پاریس و زمانیکه اختناق به اوج خود رسید بود، با رشد روز افزون سرکوبها تصمیم به ترک ایران گرفتم.

س : آیا از جانب رژیم خطری شما را تهدید میکرد؟

ج : بله، باید بگویم من تا قبل از ۳۰ خرداد ۶۰ در کارخانه‌ای کار میکردم و همراهم برخی از دوستان با این هدف به کارخانه رفته بودیم که اگر زمینه‌ای باشد به مبارزات کاری شکی دار هویوندی با کارگران بوجود آوریم. این کارخانه جزئیکی از بزرگترین کارخانه‌های تهران میباشد و زمینه فعالیت در آنجا خیلی زیاد بود. البته ما در پیوند با کارگران کلا با مشکلات بیشتری مواجه بودیم. اما پس از جریانات ۳۰ خرداد اوضاع روز بروز وخیم تر گردید و ما متوجه شدیم اختناق به حدی رسید که نه تنها زمینه فعالیت و مبارزه سیاسی و تشکلی کارگران برای اعتصاب کم است بلکه هرآن امکان شناسایی و دستگیری ما از جانب جاسوسان و عمال رژیم وجود دارد. بخصوص که از سوابق تحصیلی، دانشگاهی، برخوردار بود و ارتباطاتی را نیز با برخی از کارگران مبارز و همچنین برخی از افراد گروه‌های مختلف که در همان کارخانه کار میکردند برقرار کردیم. در آن زمان ۲ تن از این رفقا دستگیر شدند. با در نظر گرفتن شرایط فوق ما کارخانه را بسرعت ترک کردیم و سعی نمودیم هیچگونه رد پای از خود برای رژیم باقی نگذاریم. سپس در شرایط بسیار سخت و دشوار با کمک و دلسوزی برخی از بستگان و دوستان در حالت مخفی بسر

بقیه از صفحه ۲

گفتگوی بایک . . .

بردیم. اما با وجود تمام احتیاطات و محکم کاریها، باز هم هرآن امکان دستگیری از طرف رژیم وجود داشت.

س: آیا میتوان گفت شما تنها دلیل خفیات جانی تصمیم به خروج از کشور گرفتید؟

ج: در جواب باید بگویم تنها به علت خطراتی که از جانب رژیم مراهتهدید میکرد این تصمیم را نگرفتیم. بلکه دلایل بیشتری وجود داشت که یکی از آنها خطر جانی را شامل میگفت. من همزمان با حادث یافتن اوضاع بابرخی از دستان تماسهایی داشتم و بین ما بحثهای فراوانی مطرح میشد که مهمترین مسئله این بود: چه باید کرد؟ بهترین راه کدام است؟ آیا باید در همان شرایط خفقان آمیز، مبارز ما رژیم را در شکل مخفی ادامه داد؟ و برای ادامه مبارزه به کردستان رفت؟ و برای اینکه بتوان در راه سرنگونی رژیم خمینی و برقراری حکومتی دموکراتیک موثرتر واقع بود کشور را ترک کرد؟ چگونه میتوان یک مبارزه هماهنگ سراسری بر علیه رژیم خمینی را ادامه زد؟ آیا در شرایط وجود بیسی موجود امکان بوجود آوردن شکل صحیح در سطحی وسیع وجود دارد؟ یا باید نظر گرفتن جو خفقان آمیزی که در طول تاریخ ایران بدین شکل وجود نداشته جو دموکراتیک خارج از کشور مناسبتر بنظر نمی آید؟ سئوالات بیشتری برایمان مطرح بود و در رده هر یک از ما مبارزه ای وجود داشت. رهبران و اعضای بسیاری از گروهها شناسایی، دستگیر و اعدام گشته و یاد رزندانها بسری بردند. برخی نیز تن به همکاری با رژیم دادند و در واقع جنبش چپ بهین پست رسیده بود. همچنین ما با درک تجربیات تلخ گذشته و اوضاع و احوالی که در ۴۰ سال اخیر

عدای از "تئورسینهای کارکشته" مسبب و مسئول وقوع آنها بود هانس متوجه وضع اسف باری که برایمان بوجود آمده بود، گشتیم. که مسلما خود شما نیز شاهد آن مسائل بود هاید. ما با نتیجه گیری از این تجربیات، سعی نمودیم در اوضاعها و برخوردهای آید هالیستی، واقعیات ایران را آنگونه که هست ببینیم و درک نمائیم. سرانجام من و عده ای از دستان پس از بحث و تبادل نظر تصمیم به ترک ایران و ادامه مبارزه در خارج از کشور را گرفتیم. البته باید اضافه کنم که بعضی از دستان از جانب رژیم شناخته شد و نبودند و بالطبع تحت تعقیب و پیگرد رژیم قرارند داشتند. اما به دلایلی که رسالا به گوشه ای از آن اشاره شد تصمیم به سه خروج از کشور گرفتند.

س: ممکن است چگونگی خروج خود را برایمان شرح دهید؟

ج: من به اتفاق دستان چگونگی راههای مختلف خروج از کشور را مورد بررسی قرار دادم. ابتدا اقرارد از طریق تماس بابرخی از دستان کردمان، از راه کردستان ایران را ترک کنیم. اما به علت قطع ارتباطات و مسایل امنیتی خروج از مرز پاکستان را با در نظر گرفتن امکانات مختلف مناسبتر تشخیص دادیم. تا رسیدن به زاهدان و تماس با راهنما و عبور از مرز رچند مورد برخورد هایی با ما مورین رژیم داشتیم که با ارائه مدارک و دلایل ظاهر منطقی از جانب ما مسئله حل گردید. البته هر کدام از این مراحل خود ما جراهایی داشتیم که کم و بیش با آن روبرو بودیم و صحبت در مورد آن ضروری بنظر نمی رسد.

س: پس از ورود به پاکستان با چه مشکلات عمده ای روبرو گشتید؟

ج: مشکل اساسی ماند داشتن ویزا

بود. ما ابتدا تمام تلاشمان را برای گرفتن ویزا بکاربردیم. من ۳ نفر از دستا نام مقصد ما فرانسه بود و دست دیگرمان مقصدش انگلستان بود. برای گرفتن ویزای هر دو کشور ما با مشکلات فراوانی روبرو بودیم. با دیدن وضع موجود پس از یک هفته تصمیم گرفتیم پاکستان را ترک کردیم و به ترکیه برویم و در آنجا برای گرفتن ویزا اقدام کنیم. در ترکیه نیز با مشکلاتی مواجه بودیم و علی رغم صرفه جویی، ارزهایمان نیز روبه اتمام بود. سرانجام پس از ۴ ماه از طریق یکی از آشنایان موفق به گرفتن ویزای فرانسه شدیم. اما دست دیگرمان بعد از قریب به یکسال انتظار موفق به گرفتن ویزای انگلستان گردید.

س: لطفا توضیح دهید که چرا فرانسه را برای اقامت انتخاب کردید؟

ج: حقیقتش این است که فرانسه از دیرباز برای پناهندگان جایگاه خاصی را در جهان دارا بود و همواره پناهندگانی برای مبارزین و آزادیخواهان و . . . به شماره ای آمده است. در ضمن به نظر ما فرانسه از نظر سیاسی از مرکزیتی برخوردار بود که در نتیجه برخوردارند از پناهگاه راین کشور بیشتر متبلور میگشت. همچنین روابط ایران و فرانسه دلیل فرار آقای بنی صدر و آقای رجوی به پاریس و حمایت فرانسه از عراق در جنگ ایران و عراق بشدت تیره شده بود. بعلاوه از نظر فرهنگی نیز نسبت به مردم فرانسه - جد از روابط نژاد پرستانه عدای از آنان - احساس نزدیکی بیشتری میکردیم. با توجه به دلایل ذکر شده . . . ما فرانسه را برای اقامت انتخاب نمودیم.

س: در رید و ورود چه وضعی را داشتید؟

ج: باید بگویم ما نیز مانند همه ایرانیان پناهنده در اوایل یاد شواریه های بیشتری روبرو بودیم. از نظر مالی در مضیقه قرار

بقیه در صفحه ۷

بقیه از صفحه ۱

درباره ماهیت ادغام دین و سیاست

درباره جدایی دین از سیاست - که روشنفکران ما در طول ۱۰ سال گذشته به ترجمه و تحریر آن پرداخته اند - نیز نتوانست کمک چندانی در شناخت از ماهیت رجحان بنماید. بسیاری از روشنفکران، رهبران و مدعیان "مبارزات انقلابی" تحت لوای "هدف وسیله را توجیه میکند" به صورت نمازگزاران و حتی پیش نمازهای مذهبی و دواتشه درآمدند. در حالیکه تنها اعتقادی به مذهب و "اسلام راستین" نداشتند. بلکه تمایلات و تفکرات ضد مذهب خود را بارها عیان نمودند. آنان به این نتیجه رسیدند که هدف سرنگونی رژیم سابق به رسمیت و تحت هنر شرایطی است. باید از هر وسیله و مکانسی هراندازه ناچیز بهره جست. حتی اگر این امر به قیمت زیر پا گذاشتن تمام اصول و نتایج علمی و صحیحی باشد که حاصل رنجها، مزارتها، قربانیهای بی سابقه، آزمايشها، تحقیقات و مقایسه های آزاد یخواهان در طی سالیان دراز بود است. حتی اگر این امر حیات سیاسی و استقلال یک کشور را به خطراندازد. حتی اگر این امر موجب جنگ هسته ای گردد و چند بمب هیدروژنی و اتی از فراز تهران و چند شهر بزرگ دیگر فروافتد و نابودی یک ملت را فراهم آورد. متأسفانه این قبیل "روشنفکران" نتوانستند باتوسل به این طرز تفکر و اندیشه مفلط و انحرافی بسیاری از افراد و نیروهای گوناگون را تحت تاثیر قرار دهند. بطوریکه تنها در ۶ سال بلکه در چند دهه گذشته باعث هرز رفتن و پامال شدن انرژی ها و تلاشهای فراوانی شدند که میتوانست در راه مکرسی و آزادی ایران سودمند واقع شود. شجاعت و شهرونی فوق العاده های که بسیاری از فرزندان

ایران از خود نشان دادند کم نیست. اما این شجاعت و شهرونی همرا با تفکر ایدئالیستی و التقاطی چه حاصلی بپا آورد؟ اسلام "مولا علی" و "مولا حسین" در خدمت کدام یک از آرمانهای مکرراتیک و آزاد یخواهانه قرار گرفت؟ اگر آن کسانی که با استقبال مرگ شتافتند به این نتیجه میرسیدند: نمیتوان باز زیر پا گذاشتن اصول غیر قابل انکار علمی و باتوسل به "اسلام راستین و مترقی" به آزادی و مکرسی دست پیدا کرد، آیا در تفکر خود تجدید نظر نمی کردند و مذهب "مترقی" را بدور نمی ریختند؟ واقعیتها امروزی نشان میدهد که با تائید و توسل جستن از نقطه ضعفها و عقب ماندگی های یک ملت در روند مستعد و پویا بهره برداری از هر وسیله ای که تمام اصول ثابت شده، علمی و روابط انسانی و مکرراتیک را زیر پا میگذارد، شاید بتوان یک رژیم را با استفاده از تضاد های داخلی و خارجی سرنگون کرد، اما نمیتوان به مکرسی و آزادی دست پیدا نمود. بنابراین هر هدفی وسیله را توجیه نمیکند! نکته اساسی در اینست که هدف چیست و مقصود کدام است؟ البته هدف شرافتمندانه و نیکویی که در خدمت منافع مردم ایران، مکرسی، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی باشد مطمئناً با اعتماد کامل میتواند از هر وسیله شرافتمندانه ای که صلاح بداند برای نیل به آرمان بزرگ در نظر گرفته شود. مبره جوید. بشرط آنکه هرگز استفاده از هر "وسيلة" بمعنای آن نباشد که اصول و اعتقادات مردمی، ملی و آزاد یخواهانه و حتی خود هدف زیر پا گذاشته شود. اما "شوریه سینها" و "روشنفکران" ما با زیر پا گذاشتن اصل خدشناپذیر دین از سیاست و دولت که حاصل صد ها سال مبارزات تاریخی در جهان است یکی از مهمترین نتایج بدست آمده وثابت شده انسان مترقی و آزاد اندیش را نقض کردند.

هدف آنان تنها سرنگونی رژیم شاه بود نه استقرار مکرسی و آزادی در ایران! بنا بر این طبیعی بود که مکرسی زیر پرچم اسلام آقای خمینی و رجحان قرار گیرند و بسیاری رژیم بیبر ازنده همان ابتدا کمر به نابودی آزادی و مکرسی بستند. آنان با طرفداری از تئوری سلطه جویانه و استعمار ادغام مذهب و سیاست که سالیان سال بوسیله کشورهای استعماری - برای بزرگ یوغ در آوردن ملتها - تبلیغ شد مبدء عملی بزرگترین ضربه ها را به استقلال و آزادی ایران وارد آوردند. آیا روزهای اوایل "انقلاب" را بیاد می آوریم؟ در آن روزها هنگامیکه دانشگاهها به مکانی برای بحث و تبادل نظر تبدیل شدند مردم برای اولین بار از "خلا" موجود برای بیان نظریات خود استفاده کردند و بیگفتگو می پرداختند با صحنه حیرت آوری رهبر و شدند. برخی از دانشجویان شناخته شده و غیر مذهبی دانشکده های مختلف که در رساله های قبل از مواضع "مترقی" و "انقلابی" برخورداری بودند و حتی مذهب را به مسخره می گرفتند و دانشجویان مذهبی را مورد استهزا قرار میدادند، همراه با برخی از عوامل حزب الله فریاد میزدند "بحث نکنید!" "مترقی شوید!" "بحث بعد از مرگ شاه!" "هر کی بحث کنه ساواکیه!" این آقایان همان کسانی بودند که بعد ها پیش از هر کسی، سنگ "اسلام مبارز" و "انقلاب بزرگ" شکوه مند زیر پرچم اسلام به رهبری امام خمینی را بسینه میزدند. روش و سبک کارشان مشخص بود. آنان با فرصت طلبی به بهره برداری از عقب ماندگی و سادگی مردم پرداختند و از مذهب بعنوان وسیله ای که بتواند آنان را در راه رسیدن به اهدافشان یاری رساند استفاده کردند. اکنون ۶ سال از آن دوران میگذرد. بسیاری از این دستان بعد ها روانه



بقیه: درباره ماهیت ادغام...

جبهه‌های "جنگ میهنی" شدند و از بین رفتند و گروهی در کج زندانهای رژیم بسر میبردند و برخی هم غیرسیاسی شده و به زندگانی بخور و نمیری در ایران ادامه میدهند. تعدادی هم توانسته‌اند در این اواخر به خارج بگریزند. اینست نتیجه آنهمه تلاش‌ها و مبارزات "باشکوه" در راه انقلاب اسلامی. "آری هدف‌های آزاد یخوآهانانه مردمی، درست و والا روشها و وسایلی پسندیده و صحیح را طلب میکند و هدف‌های غیر مکرانیک، ضد مردمی، نادرست و پست روشها و وسایلی غیر پسندیده و غلط را. یک دنیا انرژی و کوشش در توجیه وسیله برای اهداف پنهانی و ضد مکرانیک بی فایده است. تلاشی عبث خواهد بود و عمری پشیمانی و سرفاکنندگی و انگشت تاسف بردن آن گزیدن! کلیه فعالیتها برای پوشاندن اهداف ضد مکرانیک و ضد ایرانی نمیتواند حقیقت را پنهان کند. سبک‌ها و روشهای غیر مکرانیک و انحصارگرا نه استفاده از وسایلی و شیوه‌های غلط بردن از اهداف واقعی برخوردار خواهد داشت. کافی است به نمونه‌های بیشمار که "خوشبختانه" در بین ما ایرانیان فراوان است، نیم‌نگاهی بیاندازیم تا حقیقت این نکته را بهتر دریابیم.

۲- تئوری استعماری ادغام دین و سیاست

ما در جهان زندگی میکنیم که کلیه کشورها میتوانند از تجربیات تاریخی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی یکدیگر بیاموزند و بهره‌مند شوند. مبارزات مردم اروپا در چند قرن گذشته، انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب ۱۸۴۸ که سر تا سر قاره اروپا را در بر گرفت، و جنگ بین‌المللی اول و دوم نتایج حاصله از آن امیری نیست که تنها مختص به مردم اروپا باشد، بلکه تمام بشریت نتایج آنرا متعلق بخود

میداند و از شکستها و پیروزیهای آن بهره‌مند میشوند. اما انقلاب ۱۷۸۹ از آن جهت حائز اهمیت است که برای اولین بار به دخالت دین در امور سیاسی پایان داد و دست کلیسا و روحانیت را از دخالت در مسایل ملکی کوتاه کرد. و موجب شد که اولین اعلامیه حقوق بشر در ۱۷۸۹ همان سال تدوین گردد و شعار زیبای آزادی، برابری و برادری مطرح شود: این رویداد‌های بزرگ نه تنها برای ملت فرانسه بلکه برای تمام بشریت پر ارزش میباشند. البته در جهان قبل از انقلاب کبیر فرانسه مردم مبعولت برخوردار نبودند از تفکر و اندیشه علمی اکثر امجور بودند در مبارزات حق طلبانه خود از مذاهب استفاده کنند و اغلب جنبشها برای احقاق حقوق پایمال شده مردم مشکل دینی به خود میگرفت. جنگهای دهقانی و ضد فئودالی در آلمان و فرانسه، پدیدار شدن مذاهب پروتستان و تلاش رهبران مذهبی چون لوتر در آلمان و کالون در فرانسه همگی نشان دهند آن است که در آن دوران مردم آید ثلویزی و دیگری بجز مذاهب نبی شناختند و مجبور بودند با تکیه بر آید ثلویزی مذهبی مبارزات خود را گسترش دهند. اما انقلاب کبیر فرانسه به افسانه "دین محرومان" خاتمه داد. دیگر لازم نبود که آزاد یخوآهان سخنان خود را در لفافه دین بپوشانند تا مورد قبول واقع شوند. توهم شکست شد و آزاد یخوآهی و آزاد اندیشی خود را از قیود مذهبی نجات داد. از این دوران به بعد تنها کشورهای استعماری و ولت‌های ستمگرو سرکوبگر بودند که از مذاهب برای تحمیل مردم و فریب آنان استفاده میکردند. از این پس جنبشهای آزاد یخوآهان و استقلال طلبانهای که نتوانستند خود را از قید دین رها کنند، یکی پس از دیگری شکست خوردند. تنها آن جنبشها و مبارزاتی موفق گردیدند که

نتوانستند خود را از جنگال مذاهب و خرافات رها نمایند. در این میان این تنها کشورهای بزرگ استعماری و حکومتی سرکوبگر بودند که نتوانستند به بهترین وجه از مذاهب برای تفرقه افکندن، تقسیم نمودن منکوب کردن و بالاخره تحت کنترل در آوردن ملت‌های تحت ستم بهره‌برداری کنند. کشورهای بزرگ استعماری متوجه شد بودند که تنها زور و سرکوب عریان و لشکرکشی نمی‌تواند حاکمیت آنان را در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره تضمین کند. بنابراین میسیونرهای مذهبی را گروه گروه روانه آفریقا، آمریکا لاتین و آسیا نمودند تا آنان بتوانند بوسیله دین زمینه را برای ورودشان آماده نمایند. در نیمه اول قرن بیستم بود که جنبشهای رها سازی بخش و آزاد یخوآهان در بسیاری از مناطق با تکیه بر مبارزات حق طلبانه و ضد استعمار به افشای ماهیت تئوری ادغام دین و سیاست بصورت یک طرز تفکر استعماری و نو استعمار پرداختند. بدین ترتیب تئوری ادغام دین و سیاست بصورت یک طرز تفکر استعماری و نو استعماری و شکستگی خود را بیش از پیش عیان نمود.

در میهن ما نیز باید پس از حمله اعراب جنبشها و مقاماتهای استقلال طلبانه برای رهایی از ستم و جور اکثر را شکل مذاهب بر روی میگرد. اما غنیمت انقلاب کبیر فرانسه را و آخرفرین هیچ هم و تحولات و پیامدهای بعدی در اروپا، ایران را هم بدین تاثیر نگذارد. همزمان با رشد سرمایه داری و رشد سازگاری خارجی در قرن نوزدهم، ارتباط با اروپا و جنگهای گوناگون با هسایگان، جنبشهای آزاد یخوآهان نیز در صورت مختلف پدیدار شدند. اما تقریباً کلیه این جنبشها شکل مذهبی داشتند. قیامهایی هایکی از برجسته‌ترین آنهاست که در اواسط قرن بیستم در صفحه ۶

بقیه از صفحه ۵

در باره ماهیت ادغام...

نوزدهم ۱۸۴۸-۱۸۵۲ ظاهر شد. باب
و پیروان او میخواستند قرآن و دین اسلام را
با تغییراتی با اوضاع و احوال جدید وفق
دهند. باب وعده داد بود که دولت
نوبین و نظامیان لانه‌ای بوجود خواهند آورد.
وزمان آن رسید که مهدی ظهور کند. اما
قیامی‌ها مانند سایر جنبش‌های
مذهبی، شکست خورد. این شکست و
شکست بعدی در انقلاب مشروطیت در
حدود نیم قرن بعد ثابت نمود: که جنبش‌ها
حق طلبانه و آزاد یخواهانه اگر نتوانند خود
را از قید و بند مذہب نجات دهند محکوم
به شکست میباشند.

اما در ایران، بودند مردان بزرگ و
آزاد های که بر علیه خالت دین در سیاست
مبارزه کردند و با شهادت و جسارتی فوق-
العاده به دفع توطئه دست نشانگان و
عوامل خارجی مذہبی پرداختند. یکی از
اولین شخصیت‌هایی که متوجه نقش مخرب
روحانیون در اوضاع سیاسی ایران گردید،
امیر کبیر بود که از آغاز فعالیت‌های سیاسی
خود به مبارزه‌ای همه جانبه بر علیه نفوذ
مذہبیون در ارکان مملکت و منع دخالت
آنها در سیاست پرداخت. امیر کبیر مرد
زمان خود بود. او با مطالعه کتاب‌های
اروپائی از رویداد های تاریخی قرن ۱۸ و
۱۹ آگاه گردید و همین آگاهی و شناخت
از اندیشه‌های مترقی همراه با لیاقت
و احساسات وطن پرستانه موجب گردید که
خدمات پر ارزشی را عرضه دارد. (۱)
بطوریکه سفیر انگلیس در ۱۷ ژوئن ۱۸۴۹
در گزارش ملاقات خصوصی با امیر نظام
نوشت: «امیر نظام مصمم است که جلوفون
روحانیون را بگیرد، گرچه میدانند کاری
است بس دشوار و پرخطر. وی متذکر شد
که دولت عثمانی وقتی در امتداد نیروی
خود توفیق یافت که نفوذ علمای راهب
شکست و گفت او هم همین کار را خواهد کرد

و پاسرش را بر باد خواهد داد. همچنین
وقتی که اختلاف امیر با امام جمعه تهرانی
بالا گرفت. امیر گفت: «یا باید در برابر
ادعاها و خالتهای امام جمعه ایستادگی
کنم، یا دست از سیاست و زمامداری بکشم.
متأسفانه این خاص علمای پایتخت نیست.
در سرتاسر ایران، ملایان کم‌پایش در پی
قدرت هستند و میخواهند در امور سیاسی
دخالت و دخالت‌های خود را نمایند.» (۲) باید
دانست که دستگاه امام جمعه تهرانی همواره
مورد توجه سفارتخانه‌های روس و انگلیس
بود. و هر دو سعی داشتند دست کم‌پایان
روابط نیکو و نزدیک داشته باشند و اسناد
ما حکایت میکند که آن دستگاه هیچگاه از
آلودگی سیاسی پاک نبود. (۳)

اینست نقش واقعی مذہب و روحانیون
برای دخالت در امور سیاسی ایران ۱۴۰
سال پیش و امیر کبیر که تنها به مقابله بسا
دسایس آنان پرداخت و در این راه هم
مردانه جان باخت. اما هنگامیکه در پهن
۵۷ آخوند های خائن و وطن فروش بسه
رهبری خمینی روی کار آمدند روشنفکران و
رهبران ما چه کردند؟ آیا امیر کبیر در ۱۴۰
سال پیش از ایرانیان "مترقی" که در نیمه
دوم قرن بیستم زندگی میکنند جلوتر نبوده
است؟

(ادامه دارد)

یا داشته‌ها

۱- دکتر فریدون آدمیت در کتاب
امیر کبیر و ایران (ص ۱۸۴) مینویسد:
"... سرچشمه یگراندیشه‌های میرزا-
تقی خان آثار مولفان فرنگی است. نشانه‌ای
از توجه معنوی او به نیای معرفت نو این
است... که، با وجود همان گرفتاری‌ها
سیاسی، دستورات پاره‌ای از کتاب‌های
اروپائی را گرد آوردند. و از مجموع آنها
کتاب کلانی در دو جلد در احوال جغرافیائی
و تاریخی و سیاسی و اقتصادی جهسان
پرداختند. و خود بر این کار نظارت داشت

نامش "جهان‌نمای جدید است و نخستین
تالیف فارسی است که اطلاعات عمومی
بسیار دقیق از همه کشورهای پنج‌قطعه
جهان و حتی جزایر و افتادها را قیاساً
با احصائیه‌های منظم دست میدهد.
۲- همانجا ص ۲۴
۳- همانجا ص ۲۵

بقیه از صفحه ۱۳

محدودیت مهاجرت...

احتمالاً به‌مهریبت دارند. وقتی که می‌گوئیم
دیگری نمی‌توانیم کارگران خارجی را بپذیریم
ممکن است ما مرزهای خود را به روی آنکس
که در کشورهایشان بعلمت اعتقادات
سیاسی، مذہبی یا اصول فکری خود تحت
تعقیب و آزار قرار دارند، نیز ببندیم. در
جهانی که از نظر اخلاقی پیشرفت نمیکند.
اگر تنها یک اصل وجود داشته باشد که باید
از آن پیروی کنیم، آن اصل دفاع از مردمی
است که تحت تعقیب و آزار میباشند و حق
برخورداری بدون از پناهاگانی را دارند. و
من دست در آمد که این پناهاگانی فرانسوا باشد.

سرژ ژولی سردبیر لیراسیون:

سوال: آیا ارتباطی بین پناهندگی و
مهاجرت وجود دارد؟

جواب: خیر. زیرا تغییر رنگی در مورد
قوانین پناهندگی سیاسی بوجود نیامده
است. در مورد منطبق با سبک تغییر برای
قوانین داد شده که البته این مسئله استثنائی
است. آنها بعلمت این بود که بعد های از
اقلیت با سبک فرانسوا بعنوان پایگاهی
برای فعالیت‌های تروریستی خود انتخاب
کرد بودند. اما شما مثال افغانستان را
در نظر بگیرید که قابل توجه است. فرانسه
هرگز تقاضای پناهندگان افغانی که بسبب
فرانسه می‌آیند را رد نکرد است. ■

بقیه از صفحه ۳

گفتگوی بایک . . .

داشته و از نظر روحی نیز در وضع آشفته ای بسر می بردیم . خانواده ها و دوستانمان در ایران بسیار نگران حال ما بودند و مانیز نگران وضع خانواده ، دوستان و آشنایان و اوضاع میهنمان بودیم . همسر و فرزند یکی از دوستانم در ایران بسر میبرد که هر آن امکان دستگیری آنان وجود داشت و باید راه خروجی را برای آنان پیدا میکردیم . همچنین ما به زبان فرانسه آشنا نبودیم و تصور بر روشنی را نیز از پناهندگان شدن نداشتیم . از نظر مسکن نیز با مشکل زیادی مواجه بودیم و در کشور بیگانگانه مخصوص در آن اویل خیلی احساس تنهایی میکردیم .

پس از مدتی برای شناخت بیشتر از محیط به "سیتِه" رفتم . در آن هنگام وضع "سیتِه" بشکلی بود که همه گروههای مخالف و موافق با هم در آنجا جمع میشدند و بعد ها ما با افراد برخی از گروهها آشنا شدیم . اما به علت وضع بحرانی جنبش چپ و بن بست موجود اعتقادی بهمیوستن و همکاری با هیچیک از گروهها را نداشتیم . با توجه به اینکه عدای از شرایط خفقان آور ایران میآمدند افراد بندرت به یکدیگر اعتماد میکردند و تنها جایی که اخبار پناهندگان نسبت به هم برخورد میکردند ، O.F.P.R.A. و

و FRANCE TERRE D'ASILE بود . بعد ها پس از اینکه موفق به رفتن به قوایه های مخصوص پناهندگان شدیم تا حدی مشکلات اولیه حل گردید .

س : اگر برایتان امکان دارد بگوئید که در شرایط فعلی زندگیتان به چه شکلی میگردد ؟

ج : من پس از مدت ها بالاخره بعد از گذراندن استراحت موقت به پیداکردن کار شده ام . البته برای پیدا کردن این کار خیلی کوشش کردم . برای اینکه باید بتوانم کسار

نسبتا ثابتی داشته باشم تا با فکر راحت به کارهای سیاسی که در رجاه اول اهمیت برایم قرار دارد بپردازم . اما برخی از دوستان همانند عدد هکتری از پناهندگان هنوز با مشکل پیدا کردن کار و . . . روبرو میباشند و پس از ۳ سال موفق به پیدا کردن کار نسبتا مناسبی نگردیده اند . از نظر مشکلات مادی دیگر باید بگویم البته تا اندازه ای این مسائل رفع گردیده است .

وزندگی بصورت بخور و نمیری میگردد . س : در خاتمه چه پیامی برای دیگر هموطنان پناهند سیاسی که همانند شما مجبور به جلای وطن شده اند دارید ؟ ج : من تمام صحبتم این است : دوستان عزیز درست است که همه ما را اینجا با مشکلات مادی و معنوی بیشماری روبرو میباشیم و اکثرا بیشترین اوقات خود را صرف رفع بسیاری از مشکلات مادی مینمائیم . اما باید وظایف اصلی خودمان را در خارج از کشور فراموش نکنیم . بسیاری از ما برای هدف بزرگی مجبور به ترک ایران شده ایم . مبارز برای سرنگونی رژیم و برقراری رژیم مردمی و دموکراتیک در

وطنمان ، باید سرلوحه برنامه هایمان باشد . ما فرصتهای بیشماری را بهیمنای گزاف از دست دادیم . باید از تجربه شکست "انقلاب" ۲۲ بهمن بیاموزیم و با جمع بندی نتیجه گیری علل این شکست مسیر آینده را روشن نمائیم . باید که "گذشته چراغ راه آینده باشد" و "خطاها" و "اشتباهات" قبل تکرار نگردد . من فکر میکنم ایرانیانی که نام "پناهند سیاسی" را بر خود گذاشته ایم در شرایط دموکراتیک خارج از کشور مسئولیتی عظیم بر دوشمان قرار دارد . اگر نگران هموطنان در بند و سرنوشت میهنمان هستیم باید با هم فکری و مبارزه صحیح و اصولی و همبستگی ، بهیمنای

و روابط غیر دموکراتیک درونی پایان دهیم . همچنین اگر در غربت و دور از وطن برخی مواقع به دلیل فشارهای زیاد یاس و ناامیدی بر ما چیره میشود ، بیایید هموطنانمان و احساس مسئولیت در قبال مردم در بندمان و با امید به پیروز و آینده های روشن بریاسها چیره شویم و اجازه ندهیم چنین مسائلی موجبات شادمانی و سپهر برداری رژیم جنایتکار خمینی را فراهم آورد .

شرایط دموکراتیک خارج از کشور و واقعیات ایران تا حدی کمک کرده که من و امثال ما بسیاری از شعارها را از دست بدیم و دگرگونی و خشک اندیشی را تا اندازه ای کنار بگذاریم . دیدن واقعیات و مشکلات موجود یکجانبه قضیه است . باید برای حل مشکلات کاری اساسی انجام داد و برای ایجاد یک آلترناتیو واقعی گام برداشت و تلاش نمود . مرگ رژیم امری حتی واجتناب ناپذیر است . اما کسی و چگونه ؟ فقط میگوئیم تحقق این امر مهم به همت و تلاش و کوشش یکایک ما بستگی دارد . ■

بقیه از صفحه ۱۰

خبرها و گزارشها

عملکرد های حزب دموکرات به بیان نظرات و مواضع کومله میرد اخته و در مقام قاع از آنها برآمدند .

بعد از سخنرانی ایشان ، خلاصه های از متن سخنرانی و توضیحاتی در باره فیلم بعدی بزبان فرانسه داد شد . سپس فیلمی که تا زگی از کردستان گرفته شده بود ، به نمایش گذاشته شد . بعد از آن تراکت در قسمت د و مبرنامه قطعه ای با سننورنواخته شد . این برنامه با شعر خوانی آقای چنتی عطایی در ساعت ۱۰ / ۵ شب به اتمام رسید .

★★★

خبرها و گزارشها

(پاریس - ماه بهمن)

جشن حزب دمکرات

۱ فوریه

به مناسبت بزرگداشت دوم بهمن سالروز تأسیس "جمهوری خود مختسار کردستان" در تاریخ ۲ (بهمن ماه ۶۳) برنامه‌های از طرف حزب دمکرات کردستان برگزار گردید. این برنامه در ساعت ۷/۵ بعد از ظهر آغاز گشت و در آن بیش از ۲۰۰ تن حضور داشتند که تعداد قابل توجهی از آنان از کشورهای ترکیه، سوریه و فرانسه بودند.

در ابتدا اپیم حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت این روز به زبان فرانسه قرائت گردید و بقیه برنامه به اجرای رقصها و ترانه‌های محلی کردی اختصاص یافته بود. این مراسم در ساعت ۱۰/۵ (شب) بعد از خواندن چند سرود و ترانه توسط آقای "شوان" خواننده کرد (اهل ترکیه) پایان یافت. لایحه متذکر است که این برنامه در بخش با فاصله زمانی بیش از نیم ساعت انجام پذیرفت و علاوه بر حزب دمکرات کردستان ایران گروهها و سازمانها نیز از کردستان ترکیه و سوریه، همچنین سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و جنبش دمکراتیک انقلابی زحمتکشان کردستان و... با گذاشتن میز اعلامیه‌های خود را پخش نمود، نشریات، جزوات و کتابهایی را در معرض فروش گذاشته بودند.

جلسه مجاهدین خلق

۲ فوریه

بنابر اعلام قبلی انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه (هواداران سازمان مجاهدین) در تاریخ ۳ (بهمن ۳) برنامه‌ای در ساعت ۵/۵ به مناسبت هفته حماسه موسی

و اشرف" ترتیب داده شد. بعد از آن در رحد و ۱۸۰ نفر حضور داشتند. این برنامه شامل نمایش فیلم "صدای از قلعه‌ها" (فیلمی مستند از نقل و انتقال و نصب دستگاه فرستنده صدای مجاهد) و ویدئوی سخنرانی آقای مهدی ابریشمچی عضو فترسیاسی سازمان مجاهدین تحت عنوان "گزارشگویی" در مورد موقعیت کنونی مقاومت نوین مردم ایران بود. و در آخر برنامه یکی از مجریان نکاتی را جمع به فعالیتها و چگونگی برگزاری تظاهرات ۹ بهمن را تذکر داد. در ضمن در پایان برنامه فرمهای مخصوصی بین حضار توزیع گردید تا با ذکر آدرس و مشخصات افرادی که مایل به شرکت در این تظاهرات هستند ولی فاقد امکانات میباشند و یا تماس با شماره تلفن ارائه شده، جهت دعوت و شرکت آنان در تظاهرات اقدامات و تسهیلاتی بعمل آید. این برنامه حدود ساعت ۱۰ (شب) پایان یافت.

گردهمایی نهضت مقاومت

۷ فوریه

روز ۸ (بهمن ماه ۶۳) بر طبق دعوت قبلی، "نهضت مقاومت ملی ایران" مراسمی به مناسبت ششمین سالگرد تشکیل دولت آقای بختیار" در پاریس برپا گردید. در این اجتماع درحد و ۴۰۰ تن شرکت داشتند. این برنامه درحد و ساعت ۵/۵ بعد از ظهر با سرود "ای ایران" آغاز شد. در ابتدا رئیس جلسه ضمن سخنان کوتاهی ترتیب برنامه را اعلام نمود. پس از آن آقای عبد الرحمن برومند تحت عنوان "در باره حاکمیت ملی و قانون سخنان" ایراد کردند. سپس یکی از اعضای نهضت

مقاومت اشعاری خواند و در پایان فیلم مستند "۳۷ روز" به نمایش گذارده شد و با اینکه مجری برنامه در ابتدا عنوان کرد بود که در صورت داشتن وقت در آخر به سوالات حضار پاسخ داده خواهد شد، وقت طوری تنظیم شد بود که هر اس ساعت ۷ بعد از ظهر با سرود "ای ایران" این برنامه به اتمام رسید.

تظاهرات سازمان مجاهدین

۸ فوریه

به مناسبت سالگرد "شهادت موسی خیابانی و اشرف ربیعی" از طرف انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه در تاریخ ۱۹ بهمن ۳ تظاهراتی ترتیب داده شد. این برنامه شامل نمایش، راهپیمایی و صدور قطعنامه‌های بود. در این تظاهرات حدود ۹۰۰ تن شرکت داشتند. قبل از شروع راهپیمایی در ساعت ۲ بعد از ظهر در میدان گارد ولست، ابتدا نمایشی که نشانگر وجود اختناق و کشتار و جنگ در ایران بود، اجرا شد. در این قسمت فردی به شکل خمینی در حالیکه به چوبه‌ارود کل نفت تکیه داده بود، همراه با محافظین خود و پاسداران رژیم در کنار یک توپ جنگی و سلولی از زندانیان سیاسی دیده میشد. این نمایش، اعزام جباری کودکان به جبهه‌های جنگ و مخالفت خانواده‌های این کودکان و مردم را از ادامه جنگ نشان میداد که در مقابل خمینی و عملش با هدیه یک "کلید بهشت" آنان را با زور به جبهه‌ها گسیل میداشتند. پس از اجرای این برنامه راهپیمایی آغاز گردید که در طی آن



بقیه خبرها و گزارشها

از طرف تظاهر کنندگان شعارهایی بر علیه رژیم و طرفداری از سازمان مجاهدین داد همیشه. راهپیمایان در ساعت ۵/۴ بعد از ظهر به میدان باستیل رسیدند و در آنجا نیز نمایشی دیگر که نمایانگر آوج گیری اعتراضات مردم موشکستن در ربهای زندان و سرنگونی خمینی و بارانش میشد، اجرا گردید. در پایان از درون يك کبوتر سفید بزرگ که به زنجیر کشید شد بود، ۲۰ کبوتر آزاد شد و پرواز درآمد. این تظاهرات در ساعت ۵/۵ بعد از ظهر با خواندن قطعنامه‌ای پایان یافت.

جلسه چریکهای اقلیت

۸ فوریه

به منظور "بزرگداشت سیاهکل و قیام بهمن ماه ۷۵" از طرف انجمن، دانشجویان ایرانی در فرانسه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق (اقلیت) مراسمی در تاریخ ۱۹ بهمن ماه ۶۳ برگزار گردید که در آن حدود ۲۰۰ تن شرکت نمودند. این مراسم حوالی ساعت ۸ شب آغاز گشت. پس از اعلام برنامه‌ها، پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی، بحث، سایت پانزد هفتمین سال سرورز تاسیس سازمان و هفتمین سالروز قیام ۲۲ بهمن قرائت گردید. سپس گروه موسیقی آمریکای لاتین برنامه اجرا کردند. پس از آن تراکت در قسمت دوم گروه فولکلور یلترکیه برنامه هنری داشت و بدنبال آن تئاتری در مورد سیاهکل نشان داد شد. هم چنین نمایش دیگری در مورد رژیم جمهوری اسلامی و نقش سرکوبگرانه خمینی و عواملش اجرا شد. در این قسمت شخصی که نقش خمینی را اجرا میکرد، در حالیکه در طرفینش و نفره نشانه حضور آمریکا و انگلیس وی را همراهی میکرد و فرد سومی نیز که به "لا کار" "تود ه ایسم" را در دست داشت، پشت سر خمینی ایستاد و مرتب ضمن تعظیم

به خمینی و دستبوسی "مام" اعمال جنایتکارانه اش را تائید میکرد. و آخرین تئاتر صحنه سرنگونی رژیم خمینی و پیروزی مزد پران نشان میداد. بعد از این نمایش، فیلمی که توسط سازمان چریکهای فدایی تهیه گردید، مورد نشان داد شد. در ضمن علا و میری پائی نمایشگاهی از عکس و پوستر، در این برنامه گر و ههای مختلفی از جمله راه کارگر، سوسیالیسم و انقلاب، انجمن همبستگی، وحدت کمونیستی، دانشجویان ارشاد، اکثریت جناح چپ... برای ارائه و فروش نشریات خود میزگذاشته بودند. این مراسم در ساعت ۱۱/۱ شب با اجرای سرود انترناسیونال خاتمه یافت.

"فراخوان"

گروههای فعال در سینه

۹ فوریه

بدنبال "فراخوان" و دعوتی که از طرف گروهها و انجمنهای فعال ایرانی در سینه جهت برگزاری "سیناری و ارتباط بسا افشای جریان اکثریت جناح کشتگر" بعمل آمد، روز شنبه ۲۰ بهمن ماه ۶۳ این سمینار تشکیل شد که در آن حدود ۵۰ آئی. ۶ نفر از علاقمندان شرکت داشتند. در این جلسه نمایندگانی از گروهها و انجمنهای مختلف شرکت نمود و به میان نظرات خویش حول موضوع مورد بحث پرداختند. این جلسه در حدود ساعت ۱۱/۱ آغاز و در ساعت ۶/۵ بعد از ظهر پایان یافت.

در این جلسه افراد بی‌نماینده‌ای از طرف حبه همبستگی، اتحادیه کمونیستها، هواداران پیکار سابق، حقوق بشر، راه کارگر، وحدت که نیستی، هواداران چریکهای فدایی (اقلیت) و سوسیالیسم و انقلاب نظرات خود را در مورد آمدن بخششی از چریکهای اکثریت (جناح کشتگر) به سینه و نحوه برخورد با این مسئله ابراز نمودند. در مورد و گفتگوها هریک از گروهها و افراد با

توضیحاتی تکمیلی به نظرات مخالف خود پاسخ دادند. در این قسمت نمایندگانی از جناح چپ اکثریت نیز سخن گفت.

این جلسه حدود ۷ ساعت بطول انجامید و علی رغم اینکه در آن نقطه نظرات گوناگون و جالب عنوان شد، متأسفانه گاهی از اوقات بجای برداختن به اصل موضوع مورد بحث، مدتی از وقت جلسه به بحثهای غیر ضروری و در طرفه‌ای که صرف کوییدن یکدیگر میشد، اختصاص یافت. در ضمن عددهای از مجریان برنامه‌ها اظهار امیدواری نمودند که نتیجه این جلسه را آیند با اعلام نمایند.

برنامه چریکهای اکثریت

۹ فوریه

بر طبق اعلام قبلی سازمان فدائیان خلق (اکثریت) به منظور چهاردهمین سالگرد بنیانگذاری این سازمان جشن سیاسی - فرهنگی "در تاریخ ۲۰ بهمن ماه ۶۳ برگزار گردید. که در آن تقریباً ۲۰ نفر شرکت کردند. علا و میر سازمان فوق، حزب توده، حزب مکران، خلق افغانستان، نیز به تبلیغ و فروش نشریه، جزوات و کتابهای خود پرداختند. این برنامه شامل دو قسمت بود که در بخش اول سرودها و ترانه‌هایی اجرا شد. در ضمن علا و میر پیاپی سازمان برگزار کنند برنامه‌هایی تیریک دیگری نیز اجرا گردید. اساسی احزاب و سازمانهایی که با فرستادن پیام اعلام همبستگی نمود بودند بدین قرار بود:

۱- حزب توده ۲- حزب کمونیست فرانسه
۳- حزب مکران، خلق افغانستان
۴- حزب کمونیست سوریه ۵- حزب کمونیست اورگوئه ۶- حزب کمونیست عراق ۷- حزب کمونیست شیلی ۸- انجمن فرانسوی دفاع از زندانیان سیاسی ۹- حزب کارگران ترکیه ۱۰- حزب کمونیست یونان ۱۱- بخشی از حزب کمونیست مراکش شبه پاریس. در قسمت دوم برنامه شلر و ترانه‌های اجرا گردید. بقیه در صفحه ۱۰

ایران

در ماهی که گذشت

حمله به جلسه نهضت آزادی

روز ۲۲ بهمن ۶۳ از سوی نهضت آزادی جلسه سخنرانی به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی ترتیب داده شد. اما پس از مدتی این جلسه به علت درگیری شدیدی از هم پاشید. در جلسه مزبور آقای بازرگان به عنوان سخنران در بخشش از سخنان خود برخی از مسئولین جمهوری اسلامی را "یکتا تور" نامید. در این رابطه روزنامه جمهوری اسلامی مینویسد: گروهی از مردم تهران در پیروزی دفتر نهضت آزادی ایران به مهندس مهدی بازرگان که علیه انقلاب اسلامی و مسئولین جمهوری اسلامی سخنرانی کرد، اعتراض کردند.

(جمهوری اسلامی ۲۳ بهمن ۶۳)

در این جلسه جزواتی نیز پخش شد که در آن به بحران شدید اقتصاد و در کشور، وابستگی اقتصاد جمهوری اسلامی به خارج، بیکاری، افزایش مالیاتها، تنگی معیشت مردم، ادامه جنگ و بی اطلاعی و خودکامی بعضی از مسئولان جمهوری اسلامی اشاره شد. مورد که با اعتراض و بیورش مخالفین (عناصر خط امام) مواجه گشت.

در واقع جناح غالب در رژیم جمهوری اسلامی با بسیج و گسیل عوامل خود این سخنرانی را بوی وجود آورد. این عوامل با دادن شعارهایی علیه بازرگان و "نهضت آزادی" به آنان حمله کرد و وعده‌های را مضروب نمودند. در پی این درگیری ما مورین کمیته به محصل اعزام شدند و طبق گزارش مطبوعات رژیم چون نیروهای پلیس نتوانستند اوضاع

متشنج را کنترل کنند، افراد کمیته انقلاب اسلامی وارد عمل شده و سران نهضت آزادی را به محلی امن برد و سپس به منازلشان منتقل نمودند.

در اینجا باید یاد آورد که در شرایط خفقان آوری که در سایه رژیم جمهوری اسلامی بر کشور ما حکم فرماست و در زمانیکه هر نوع نغمه آزادیخواهان را رژیم در نطفه خفه می‌کند و هیچگونه آزادی در هیچ زمینه‌ای در کشورمان وجود ندارد و بسیاری از هموطنانمان به علت کوچکترین مخالفتی با رژیم سرکوب و یا اعدام شده‌اند، نهضت آزادی "آقای بازرگان" نتوانستند آزادانه به چاپ جزوات و کتابهای خود که در آن در واقع از طرفی آزادی را از رژیم گدایی میکنند - بپردازند بلکه از طرف دیگر از چنان پشتوانه‌ای نیز برخوردار است که ترتیب جلسات سخنرانی را در آن و در جلسات از دیکتاتور بودن بعضی رهبران جمهوری اسلامی و مشکلات بیشمار رژیم سخن می‌رانند. اما این پشتگرمی از کجا می‌آید و آنان تا کی از آن برخوردار خواهند بود؟ خود جای بحث فراوانی است.

اما باید پرسید آیا جزاین است که ایسن آقایان در پناه وزیر سایه همان رژیمیم در دیکتاتوری به گدازان زندگی مشغولند؟ و همراهی با ایران دیگرشان بقول منافع خود هنوز از چنین رژیمی دل نمی‌کنند؟ باید گفت در واقع آنان از بنیانگذاران و شرکای جنایتکار رژیم بود و در وجود آوردن آن نقش موشی را ایفا نمودند. از آنان بیش از این نمیتوان انتظار داشت!

اجلاس مشترک در تهران

در هفدهم و اول ماه گذشته اجلاس مشترک وزرای امور خارجه ایران، سوریه و لیبی در تهران صورت گرفت. هدف از این گرد همائی، تبادل نظر در باره تحولات و مسائل جاری در سطح منطقه و جهان و هم چنین اتخاذ تصمیم مشترکی راجع به چگونگی مقابله با اینگونه تحولات و مسائل ذکر شده است. فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه هنگام ورود به ایران گفت: "ایران و سوریه مسایل و هدفهای مشترکی دارند که نیاز به تماس و گفتگوهای مرتب دارند." و تریکی وزیر امور خارجه لیبی ویژگی خاص روابط ایران و لیبی را "همسویی استوار و استراتژیک" آن نامید. ولایتی نیز ضمن تاکید بر سر همیهای مشترک و روابط و همکاریهای بین آنان را در رصحنه سیاسی دنیا "موفقیت آمیز" خواند و خواهان توسعه و ادامه این همکاریها در تمام زمینه‌ها گردید. رفسنجانی نیز در دیدار با آنان از مواضع قاطع کشورهای لیبی و سوریه در قبال مسائل منطقه و حمایت آنان از ایران در جنگ بین ایران و عراق تمجید کرد و ایجاب همکاری میان سه کشور را بسیار وسیع، همه جانبه و مستحکم دانست. بعد از پایان اجلاس فوق تریکی هنگام ترک تهران گفت: "سه کشور ایران، سوریه و لیبی را یک خط مبارزاتی مشترک و یکسان به هم مربوط میسازد. رژیم جمهوری اسلامی تنها پشتیبان واقعی برای دولت‌های



بقیه ایران، در ماهی ۰۰۰

اسلامی - عربی پیشرو می باشد .
(اطلاعات ۹ بهمن ۱۳۶۳)

در این سفر ایران ولیمی نیز بر سر تشکیل کمیسیون مشترکی برای توسعه همکاریهای اقتصادی، تجاری، فرهنگی و فنی بین خود توافق نمودند. بنا به گفته مقامات ذینفع در این اجلاس آنان بر سر مسائل موجود نفعها به یک تحلیل یکسان رسیدند بلکه تصمیمهای مشترکی نیز گرفتند و بر لزوم گسترش و توسعه این دیدارها با یکدیگر تاکید ورزیدند.

لازمه یادآوری است که چندی پیش اولین سفر خارجی خاتمه ای در مدت ریاست جمهوری پیش به کشورهای سوریه، لیبی و الجزایر صورت گرفت و متعاقب آن زمان تا کنون چند سفر دیپلماتیک و نشست و مذاکره بین ایران و سوریه ولیمی انجام یافته است. از جمله میتوان از سفر عبدالحلیم خدام معاون رئیس جمهور سوریه در راس یک هیئت بلند پایه اقتصاد به ایران نام برد. و می دانیم که رژیم ایران به طرفداری از سوریه در سال جاری مانند سال گذشته، یک میلیون تن بشکه نفت مجاناً به آن کشور تحویل داده است.

دیداری از ترکیه

در پی سفر اخیر موسوی و هیئت همراهش به ترکیه در تاریخ ۹/۱۰/۶۳ یک قرارداد همکاری تجاری و اقتصادی به ارزش ۳ میلیارد دلار برای مدت یکسال بین مقامات دو کشور در آنکارا امضاء گردید.

بر اساس این قرارداد جمهوری اسلامی ایران در مقابل صد و ۶ میلیون تن نفت خام و ۲ میلیون تن فراورد های آن و نیز برخی اقلام غیر نفتی به ترکیه، فلزات، منسوجات، ماشین آلات، ابزار آلات صنعتی، وسایل الکتریکی و الکترونیکی، مواد شیمیایی و پلاستیکی و برخی محصولات دیگر از این کشور خریداری خواهد کرد. پس از امضای

این قرارداد تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه با اشاره به اهمیت انعقاد این توافق نامه اظهار داشت: " ما با امضای این قرارداد نظام خاصی در همکاری های دو کشور ایجاد کرد هایم ". وی همچنین گفت خوشبختانه اشکالات جزئی که در سال گذشته وجود داشت در این مذاکرات برطرف گردید و در زمینه همکاری های صنعتی و بازرگانی گامهای مهمی برداشته ایم پس از سخنان آقای اوزال موسوی نیز در رابطه با انعقاد این قرارداد چنین گفت:

" بنظر من این قرارداد بجز مناسبات بازرگانی و تجاری اش مفهومی عمیق از نظر سیاسی برای دولت ما در گرچه همین ارقام مطرح شد ه خود حائز اهمیت زیادی است و تصور میکنم در میان کشورهای اسلامی این ارقامی نظیر می باشد ."

موسوی در ادامه سخنانش افزود " فکسر میکنم باروری این قرارداد و به نتیجه رسیدن آن روابط ما را در رصحنه های پر آشوب امروز جهانی عمیق تر خواهد کرد و امیدوارم اجرای آن باعث شود در سالهای آتی پروتکلی با حجم های بیشتر و معنای عمیق، با یکدیگر امضاء کنیم ". همچنین قرار داد احداث خط لوله انتقال نفت و گاز ایران به ترکیه نیز به امضاء دو کشور رسید. که بر طبق آن نفت خام ایران از طریق خط لوله به سواحل مدیترانه و دریای سیاه میرسد و از آنجا به دیگر نقاط جهان انتقال خواهد یافت و ترکیه نیز احتیاج خود را از این طریق تامین میکند. همچنین گاز نیز بوسیله یک خط لوله به ترکیه و از آنجا به اروپا انتقال خواهد یافت. چند روز پس از این سفر اجلاس شورای عالی همکاریهای اقتصادی ایران، پاکستان و ترکیه نیز در تهران آغاز به کار کرد که در جریان این اجلاس پیمان آرسو - سی - دی با تغییر نام قبلی به سازمان همکاریهای اقتصادی (اگو) رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. معاون

امور بین المللی و اقتصاد وزارت امور خارجه رژیم در این اجلاس چنین گفت: " جمهوری اسلامی ایران اراد ه را سخ خود را در توسعه هر چه بیشتر همکاریهای سه کشور قرار داد ه و متحد دید نظر در تشکیلات و همکاریهای گذشته در چهار چوب اصول جدیدی که بیانگر نیازهای واقعی کشورهای و بازاری بر کمک رشد اقتصاد ی این منطقه و . . . ضروری است ."

رژیم جمهوری اسلامی با کشورهایسی چنین قرارداد هایی را امضاء میکند که از نظر سیاسی نقطه نظرات و مواضع مشترک محدودی را با یکدیگر ارا میباشند. پشتیبانی ضمنی پاکستان و ترکیه در جنگ ایران و عراق از کشور عراق و اینکه هر دو کشور مذکور برخلاف رژیم جمهوری اسلامی خواهان پایان جنگ میباشند. خود نشانند ه یکی از این اختلاف نظرهای سیاسی است. اما از طرف دیگر هم نباید این واقعیت را فراموش کرد که هم اکنون رژیم در شرایط اقتصادی اسفباری بسربرد ه و در خایر ارزی آن به سطح نازل رسیده است. به همین علت رژیم جمهوری اسلامی برای بهبود وضع نابسامان اقتصادی و رفع نیازمندیهای خود مجبور است چنین قرارداد های عظیم اقتصادی را با ترکیه و . . . منعقد نماید.

سفر به نیکاراگوئه

در سوم بهمن ۱۳۶۳ موسوی نخست وزیر رژیم را در امسفر سیاسی و اقتصادی به کشور ترکیه و پس از توقف ۶ ساعته در کوبا با هیئتی عالی رتبه وارد نیکاراگوئه شد و با استقبال گرم رئیس جمهور دانیل اورتگا و مقامات بلند پایه آن کشور مواجه گشت. این دیدار رسمی در وروزه که چند ماه پیش از طرف دولت نیکاراگوئه پیشنهاد گردیده بود، مورد اهمیت بسیار قرار گرفت. و به

نگاهی بر مطبوعات خارج از کشور

برخورد اندیشه‌ها و دمکراسی!

هواداران سازمان وحدت کمونیستی در پاریس در اعلامیه ۱ فوریه ۱۹۸۵ (تحت عنوان "فاصله ذهنیت باشکوه تا عینیت"، رقت انگیز" بذکر مسائلی پرداخته‌اند که حاوی نکات مهمی است و احتیاج به تمعنق و تفکر دارد. در این اعلامیه باید آورشدن روز یازدهم ژانویه درگیریه و بحثهای ناشی از "فعالیت" فدائیان خلق اکثریت جناح کشتگر در "سیت" آمده است:

"به عبارت دیگر بحث به مسئله سیت خلاصه نمی‌شود بلکه مفهوم عمیقی را در خود دارد و آن چگونگی برخورد به مسئله آزادیم‌های دمکراتیک در بعدی گسترده تر است... براساسی اگر بین سوسیالیسم ما و "جناح کشتگر" فرقی نباشد و یا همان "منطق" که او در ریشیت قدرت کمیته‌های اسلامی بمرکوب ما پرداخت - و این را ما هیچگاه فراموش نخواهیم کرد - مقابله به مثل کنیم... اگر تمایزی میان دمک ما و آنان نباشد، سوسیالیسم ما بهمان اندازه، غیردموکراتیک و ضد سوسیالیستی خواهد بود. سوسیالیسم ما نیز بهمان اندازه ناتوان، کور، سترو و سرکوبگر خواهد بود. در چنین صورتی نیز سوسیالیسم ما به گفته زیبای مارکس کمونیسم سرپا ز خانه‌ای خواهد بود. از این نظر است که ما از سوی دیگر معتقدیم - و این اعتقاد را از پایه -

های اساسی فکری خود میدانیم - که وجود و تعدد اندیشه‌ها و برخورد آنها با یکدیگر است که شکوفائی و پویایی دیدگاه‌ها شکل خواهد گرفت... اینجاست که تمامی مبارزین صدیق مارکسیسم باید... به مبارزه برخیزند و ضرورت دمکراسی را اعلام کنند. در اصولی بودن آن، اساسی بودن و غیرقابل صرف نظر بودن آن بحث کنند و عهد‌های مدعی مارکسیسم بفهمانند که هر کس بر رعایت موازین دمکراتیک اصرار ورزید "لیبرال" نیست و اگر این لیبرالیسم است - که نیست -، ما در اطمینت پایه‌گذاران سوسیالیسم علمی - مبتخر خواهیم بود که لیبرال باشیم. ولی تروریست فکری نباشیم... باید در تمام مشغول مبارزه معیارها و منش‌های دمکراتیک خود را در حوزه عمل به اثبات برسانیم، تا در این راستا تار و پود افکار غیر دمکراتیک را در هم بریزیم. با ورید دمکراسی در یک مبارزه اجتماعی که معنا و جوهر خویش را بنمایش میگذارد. خارج از هرگونه ادعا ضامن و مرجع پراتیک است و..."

... ما در ادامه فاع از حقوق دمکراتیک همه افراد جامعه مبارزه

بمرکوب حقوق دمکراتیک از هر سمتی باشد بشدت ادامه خواهیم داد... و مطمئن هستیم که در این میان ما هستیم که پیروزیم و با برخورد اصولی قادر خواهیم بود منتها به افشای این جریانات بپردازیم، بلکه سرچشمه‌های فکری و تفکر ضد دمکراتیک را از ریشه بخشکانیم. (تاکید از ماست)

این موضعگیری در استان عزیز "هواداران وحدت کمونیستی" در دفاع از دمکراسی و آزادیم‌های دمکراتیک که با شهامت و جسارت بیان شده نشان‌دهنده سیاسی و آزاداندیشی است و قابل تقدیر می‌باشد. در عین حال نشان می‌دهد که چپ مستقل ایران با تمام کمبودها، کاستی‌ها و شکست‌هایی که در طی نیم قرن گذشته متحمل شده حاضر است در مبارزه با الگوبرداری و دم‌گرم‌گرمی‌های متداول تفکر خود را آزاد سازد و راه دمکراسی و آزادی ایران قدم به پیش بگذارد!

اطلاعیه

کمیته دانشکده پاریس (سیتا و نیورسیتا) و خیابانهای مجاور آن بار دیگر شاهد برخورد خشونت‌بار یکی از گروه‌های سیاسی در قبال گروه سیاسی دیگر بود. جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، بارها تصریح و تاکید کرده است که امکاناتی که محیط آزاد خارج از کشور برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ایرانیان بوجود آورده، به اقتضای اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصول دمکراسی و قوانین حاکم بر این کشورها در انحصار هیچ فرد یا گروهی نیست و همگان بر شمول بهره‌گیری از این امکانات و آزادیم‌ها قرار دارند.

هیچ فرد یا گروهی نمیتواند مانع فعالیت فرد یا گروه دیگری در محوطه کوی دانشکده و یا خارج آن بشود. ممانعت از فعالیت، ایجاد مزاحمت ارباب، تهدید، هتک حیثیت و اعمال خشونت، شیوه‌های قد رتد ارانه و غیردمکراتیک است و هیچ فرد یا گروهی که به دمکراسی باورد اشتماشد، به چنین وسایلی دست نمی‌یازد.

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، ضمن محکوم کردن این اقدام درگیریه‌ها بار دیگر ضرورت بوجود آمدن یک تفاهم و توافق اصولی برای مسائل عقیدتی و مبارزاتی، بین افراد و گروه‌های سیاسی را یادآور میشود و تاکید میکند که استمرار چنین برخوردهایی راه دست‌یابی به حقوق و آزادیم‌های دمکراتیک را برای مردم ایران دشوارتر خواهد نمود.

"جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران" - اول بهمن ۱۳۶۳

بقیه از صفحه ۱۲

هرچه هست از قامت ناسازی اندام ماست

تاریخ پوسیدگی نظم و وضع موجودند. امروز براندازی فرهنگ حاکم، در افتادن با شیوه تفکر همین نیروهاست که خود بخشی از حاکمیت را میسازند.
پاریس ۲ فوریه ۱۹۸۵ / ۱۳ بهمن ۱۳۶۳
رضا آذری - جلال بهنود - الف. رحیم - احمد روناسی - مهدی رشیدیان - مهرداد مهربان - همانا طاق - رازمیک یغظظری .

دیکتاتوری مذهبی و مجاهدین

بر طبق نشریه مجاهد شماره ۲۳۴ سمینار حقوق بشر در روزهای ۷ و ۶ بهمن ماه با ابتکار "حقوق بشر سوسیالیست" با همکاری دانشگاه سوربن تشکیل شد. آقای سعید رجوی در جلسات این سمینار شرکت و سخنرانی کرد. ایشان در قسمتی از سخنرانی خود گفتند که " . . . منظورم دیکتاتوری مذهبی است که نمونه‌های منحصر بفردی را در جهان معاصر ارائه می‌دهد. . . دیکتاتوری مذهبی، تفتیش عقاید و آراء هیستری جنگ طلبانه و صدور تروریسم رژیم خمینی تهدیدی است که فراتر از مردم ایران و خاورمیانه رفته . . . " آقای رجوی سپس با آوردن آمار و لایه‌ها گوناگون جنایات رژیم را بر شمرده. اما نکته‌ای که در مورد اظهارات آقای رجوی نمیتوان چشم پوشی نمود اینست که "تنها رژیم مذهبی خمینی نیست که روی دیکتاتوری آورد. چماق بدست میگیرد و سرکوب میکند. کافی است نظری به جهان کسوفی بیاندازیم! آیا میتوانیم یک دولت مذهبی را در نیابند انکیسم که در مکزیک هم باشد و دیکتاتوری و سرکوب را اعمال نکند! بسیار بجاست که آقای رجوی و مجاهدین خلق و دستان شورای ملی مقاومت به این مسئله اساسی توجه کنند و حساب خود را در مورد جدائی دین از سیاست و دولت روشن نمایند. تا بتوانند در مبارزه با دیکتاتوری مذهبی و مبارزه بر علیه دین در سیاست و دولت - که بدین ترتیب منجر به دیکتاتوری و فاشیسم میگردد - در مسیر مبارزات دیکتاتیک قرار گیرند. به امید آرزو! □

آن چه رضای نزار و شرم آور خارج از کشور شگفت انگیز و بی نظیری است، تنها این نیست که گروهی برگزیده دیگر میتازد یا دستهای وجود و حضور دستهای دیگر را خوش ندارد. اگر فرهنگ بی سروپایی عمومیت نباشد، سرزنش و نکوهش شرمی را در پاناله و فریاد به جایی میرسد. چه بسا فرصتی نیز برای اندیشیدن و اندیشه دست می‌آید تا در ریابیم که گرفتاران اختناق ایران در جدال همه جانبه علیه مابورهای خویش و تحمیقات رژیم، نظری همه مایی چرازندگان از خطر رهیدند و بختند. گویا چشم‌پاری داشتند تا آنچه در روزه‌ها گفتن و نوشتن نمی‌آید ماد را از آذری بیرون بازگویم و با زنیوسیم. تو خود بین تفاوت راه از کجاست تا به کجا: آنان با نشر آثار و افکارشان رژیم را بلب آوردند و مادر پیکر علیه اندیشه جان هم افتاد ه ایم. آنان با اشاعه فرهنگ نقد گذشته و طرد حال را بر عهد گرفته اند و ما عهد در ارزش خوار تر کارهای خویش و لا شخور خطاهای مکرر خویش گشته ایم. آنان بند های تقلید و تبعیت را می گسلند و ما تخت بند تقیه های سیاسی و سیاست های سازش بر ماند ه ایم در رگندستان غربت احوال غربت گرفتاران از د و حال بیرون نیست: یا مجادله است و یا مفازله: یا هر که ما نیست بر ماست و یا "ما یا رتو با شیم و تو ما را شناسی".! بنگر که حزب د مکررات کردستان در یاد گاهی های "خلق" و د ر جداسازی صف ضد خلق "پیشمرگان کومله را به جوخه اعدا می سپارد از سوی دیگر با سردمداران رژیم، به راه "خود مختاری کردستان" به مصالحه می نشیند و مکراسی برای ایران "راوجه - المصلحه" قرار میدهد. کومله انتقام میکشد اما پای مذاکر با مکرانها نفس گشتار را زیاد میبرد. فدائیان اقلیت در سیتتهی دانشجویی پاریس به جان "اکثریت گشتگری" می افتند که چرا اینان با رژیم همکاران کرد ه اند، انگار که اعمال سرکوب و جماع کشی خود عین همکاری با سرکوبگر نیست. گشتگری هاتا زمانیکه دیگران خوب میخورند. با کشان نیست، ضرب و شتم را هنگامی خوشند ازند که لایه ی تیز چماق به سوی خود شان بازگردد. هواداران "سازمان مجاهدین خلق" که در شیوهی اتهام - زنی و نشر ادبیات "فرمایشی" دست رژیم را از پشت بسته اند، در رگسن (۱۶ ژانویه ۱۹۸۵) بر سر بختیاری ها سر ریز میشوند تا با نام "خلق" قهرمان ایران ۳ حکام کمیته های اسلامی خود را اجراء آرند.

محدویت مهاجرت در فرانسه

در اوایل نوامبر، فرانسه قوانین جدیدی را در مورد محدودیت ورود مهاجرین وضع نمود. همزمن با این مسئله برخورد های ضد خارجی افزایش پیدا کرد که نه تنها باعث بخشهای گوناگون در رسانه های گروهی شده، بلکه در بین سیاستمداران نیز مورد گفتگو قرار گرفته است. متن زیر برگزیده های از مصاحبه مجله REFUGEE بتاريخ فوریه ۱۹۸۵ با دوسرید بیروزنامه های فرانسوی فیگارو و لیلیبراسیون است.

ژان د ورسو سردبیر فیگارو:

سوال: با وجود اینکه حق پناهندگی و مهاجرت در موضوع مختلف است، آیا ارتباطی بین آنها وجود دارد؟

جواب: بسیار رنگارنگ کننده است اگر چنین ارتباطی وجود داشته باشد ولی بقیه در صفحه ۶

بقیه از صفحه ۱۱

ایران، در ماهی . . .

قول یکی از مقامات دولت نیکاراگوئه، این سفر به گسترش روابط قابل اعتماد و دو جانبه در جهت منافع و انقلاب کمک خواهد کرد. موسوی و همراهان وی با انیسئل اورنگا رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور و وزیر کشاورزی، یکی از مقامات بلند پایه ارتش و رهبران مذهبی ملاقات نمودند و آنان در مورد مسائل جهانی و منطقه آمریکا لاتین تبادل نظر کردند. پس از پایان این دیدار موسوی در راه بازگشت به تهران در فرودگاههای کاراکاس و پانامی توقف کوتاهی نمود و در هر دو جسا در کنفرانسهای مطبوعاتی شرکت کرده و در مورد مسائل مختلف اظهار نظر نمود. او رضایت خود را از سفر به نیکاراگوئه چنین بیان کرد: "ما روابط بسیار خوبی با دولت انقلابی نیکاراگوئه داشته و داریم و در همین زمینه روشنفکران و شخصیتهای مذهبی این کشور پاره‌ها از ایران دیدن کرده‌اند."

در مورد روابط اقتصادی و کشور موسوی اظهار نمود که ایران در مقابل فروش نفت به نیکاراگوئه از این کشور شکر، گوشت و ادویه خریداری می‌کند. البته ایران و نیکاراگوئه با مشکلات بزرگی در زمینه حمل و نقل کالا مواجه می‌باشند اما امیدوارند با کمک ترکیه و یا شوروی این مسئله را حل کنند. همچنین وی ابراز کرد که "ایران و نیکاراگوئه در زمینه سیاسی در سالهای بین المللی باید دیگر هماهنگی خوبی دارند." در این مورد باید یاد آوری نمود که انیسئل اورنگا رئیس جمهور نیکاراگوئه چندی پیش در همین زمینه چنین بیان کرد بود: "انقلاب اسلامی ارزشهای نوینی در تاریخ زندگی بشریت پدید آورد هاست." (۸/۱۲/۶۲ اطلاعات) و "نیکاراگوئه فاع از مواضع جمهوری

شعر

یاسمن صبح

يك روز گل از یاسمن صبح نچیدی
صد بار فلک پیرهن خویش قبا کرد
چون بلبل تصویر بیک شاخ نشستی
از یار تواضع قد افلاک د و تا ماند
ایام خزان چون شوی ای د انه برومند
د ریختن سود اشب و روز تو بر آمد
از شوق، شکر مور بر آورد پرو بسال
پستان سحر خشک شد از بس تکیدی
يك بارتوبی، درد گریبان ندریدی
ز افسردگی از شاخ به شاخ خنبریدی
د ر کبر تویک ره چومه نو نخمیدی
از خاک چود فصل بهاران ند میدی
زین د یگ بجز زهر نامت نچشیدی
صائب تود راین عالم خاکی چه خزیدی
"صائب تبریزی"

بگو تا بگویم رازت را!

رفتم، رفتم
تا بگویم رازت را
تا بگویم رازت را
دل من در رتب و تاب است
میسوزد، میسوزد
دل من در عشق تو
ای گوش شنوا
ای قاب در د مند آشفته
کجائی، کجائی
می‌تالند، همه، چون من
ای هم وطنم، کجائی؟
بگشود مدر
تو نبود
بجای تو
آنجان شسته بود
کفتار پیر
فروریخت، دام
د شمن نشسته بود
بر جای تو

چسان گویم
با که گویم
ز عشقان
زدرد مان
ز رازمان
آه... فریاد، فریاد
ای آتش فروزان شعله ور
بگو، بگو
تا جرعه‌ها باید یکی شوند
تا جرعه‌ها باید یکی شوند
د ر رافتو
د عشق تو
بگو ما متحد شویم
بگو، بگو
تا بگویم رازت را
تا بگویم، رازت را

"محروق"

۱۹ دسامبر ۱۹۸۱

اسلامی ایران در مجمع بین المللی را
وظیفه خود میداند." (۲۳/۳/۶۳ -
کیهان)
بد نیال سفر میر حسین موسوی به
نیکاراگوئه و دولت آمریکا واکنش شدیدی
از خود نشان داد، بانگرانی نسبت به
روابط صمیمانه رژیم ایران و نیکاراگوئه،
هدف از این سفر را کاملاً سیاسی دانسته
که موجب پشتیبانی هر چه بیشتر

از سانده نیست هاست.
مقامات دولت آمریکا ایران را متهم به
فراهم آوردن نفت و همچنین ترتیب
دادن مخارج برای خرید سلاحهای جنگی
برای سانده نیست هاست نمودند و بیان کردند
که رژیم ایران میخواهد تروریسم را در آن
منطقه گسترش دهد. بد نیال این مطالب
موسوی اظهارات دولت آمریکا را شدیداً
رد نمود.

بقیه خبرها و گزارشها

این برنامه که از ساعت ۸ شب شروع شده بود حوالی ساعت ۵ / ۱۱ شب با اجرای سرود انترناسیونال توسط دسته‌کریایان یافت. در ضمن نمایشگاه عکسی نیز ترتیب داده شد بود.

جلسه سخنرانی و بحث

۱۰ فوریه

بد نیال پیشنهاد طرفداران نشریه سوسیالیسم و انقلاب برای برگزاری سمیناری مشترک میان گروه‌ها به مناسبت سالروز قیام بهمن، راه کارگرو سازمان هواداران حزب کمونیست ایران در خارج کشور یا سخنرانی خود را مبنی بر شرکت در این سمینار اعلام نمودند. موضوع این جلسه:

۱- "اوضاع سیاسی ایران، ۲- مسائل و وظایف جنبش کارگری از قیام تا کنون" بوده این جلسه در تاریخ ۲۱ بهمن در حدود ساعت ۵ / ۱۰ صبح آغاز گردید و در آن حدود ۶۰ نفر از علاقمندان حضور داشتند. قبل از شروع برنامه یک فیلم دید نمود درباره "انقلاب ایران" نمایش داده شد. سپس رسمیت جلسه و برنامه‌ها اعلام گردید. ابتدا نمایندگان سازمان هواداران حزب کمونیست در مورد مسائل جنبش کارگری، خصوصیات و نقایص آن و وظایف حزب کمونیست در قبال این مسئله صحبت کرد. پس از ایشان نمایندگان راه کارگروه تشریح دیدگاه‌های سازمان خود حول موضوع مورد بحث پرداخت و در قسمت بعدی نمایندگان سوسیالیسم و انقلاب نظرات خود را ابراز نمود. در بخش دیگری از برنامه وقت برای پرسش و پاسخ و بحث آزاد در نظر گرفته شد بود که چند تن از حاضرین ضمن طرح سئوالاتی نظرات خود را نیز بیان کردند و در پایان نمایندگان سه گروه فوق با پاسخ به سئوالات به نتیجه گیری از نظرات اراکه شد میرداختند و به وجوه

اشتراک یکدیگر و اختلاف نظرات موجود اشاره نمودند. این جلسه در ساعت ۷ شب خاتمه یافت.

تظاهرات روز ۲۲ بهمن

۱۱ فوریه

به مناسبت آغاز هفتمین سال قیام بهمن از طرف کمیته برگزارکنندگان تظاهرات ۲۲ بهمن متشکل از گروه‌های مختلف "سپه" دعوتی برای راهپیمایی بر علیه رژیم به عمل آمد. این کمیته از گروه‌ها و سازمان‌های زیر تشکیل شد بود:

۱- انجمن دانشجویان د مکران کردستان
ایران ۲- انجمن همبستگی ۳- دانشجویان ارشد ۴- هواداران گروه سوسیالیسم و انقلاب ۵- گروه کار تئوریک - سیاسی ۶- راه کارگر ۷- سازمان وحدت کمونیستی ۸- اکثریت (جناح چپ). در ضمن کانو نویسنده‌گان در تمهید نیز حمایت خود را از این تظاهرات اعلام نمود بود.

بد نیال این دعوت حدود ۲۰ نفر روز و شنبه ۲۲ بهمن در میدان ریپوبلیک جمع شدند و راهپیمایی در ساعت ۵ / ۴ بعد از ظهر آغاز گشت. تظاهرکنندگان در مسیر راهپیمایی با دادن شعارهای سرنگونی رژیم ارتجاعی در ایران، آزادی زندانیان سیاسی، قطع شکجه و ختناق، حمایت از مبارزه مردم ایران بخصوص مردم کرد و شعار توقف جنگ ایران و عراق، و زنده باد صلح به طرف میدان باستیل حرکت کردند. این تظاهرات در ساعت یک ربع به ۶ با خواندن قطعنامه‌های به زبان فارسی و فرانسه پایان یافت.

پس از اتمام این تظاهرات عددهای از شرکت کنندگان در این راهپیمایی برای اعتراض به مراسم "هفته فرهنگی ایران" که از طرف رژیم جمهوری اسلامی در مرکز فرهنگی یونسکو در ریارس برگزار میشد به مقر ساختمان یونسکو در ریارس رفته و با

دادن شعارهای "مرگ بر خمینی"، "مرگ بر رژیم ضد فرهنگ"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و... دست به افشاکاری بر علیه رژیم و تبلیغات عوامفریبانه آن زده و اعتراض خود را به برگزاری این مراسم اعلام نمودند. در مقابل حرکت اعتراضی این افراد مبارزه، مزدوران رژیم فاکنگیر شد ه یا پرتاب گاز اشک آور در بین مردم مانع از ورود آنان به سالن نمایش شدند. سپس نیروهای پلیس فرانسه مدخله نمود و عددهای از مخالفین برگزاری جلسه فوق را دستگیر کردند که پس از چند ساعت آزاد گردیدند.

مراسم "روز کومه‌له"

۱۵ فوریه

از طرف نمایندگی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) در خارج از کشور به مناسبت روز ۲۶ بهمن سالروز تاسیس این سازمان مراسمی در ریارس ترتیب داده شد. در این برنامه در حدود ۲۰۰ تن شرکت داشتند. این مراسم شامل سخنرانی نمایندگان کومه‌له در خارج از کشور، نمایش فیلمی در مورد تاریخچه کومه‌له، نمایش فیلم ویدئو، نمایش اسلاید، نمایشگاه عکس، موسیقی و شعر خوانی بود. گروه‌های مختلفی از جمله "اقلیت"، راه کارگر، وحدت کمونیستی، اتحادیه کمونیست‌ها، سوسیالیسم و انقلاب، دانشجویان ارشد و... میز گذاشته بودند.

در ساعت ۸ شب این برنامه با سخنرانی آقای فرهاد اردلان نمایندگان کومه‌له در خارج از کشور شروع شد. در این سخنرانی ایشان به چگونگی تاسیس این سازمان اشاره کرده و فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی سازمان و مشکلاتی که با آن مواجه بودند را در چند سال اخیر برشمردند و با مقایسه اقدامات و فعالیت‌های کومه‌له با موضعگیری‌ها و

انجمن فرهنگ و ادب

در حاشیه سخنرانی آقای رضامرزان

(درباره تاریخچه روزنامه نگاری)

انجمن فرهنگ و ادب یسه که پیش از یکسال پیش با کوشش و همت عد های از فعالین چند گروه موجود آمد هاست ، با درك لزوم و اهمیت برپایی جلسات فرهنگی و سیاسی تاکنون چندین سمینار و کنفرانس در موارد گوناگون در پاریس ترتیب داد ه و در جهت گسترش چنین گردهمایی هایی ، اقدامات ارزنده ای را بعمل آورد هاست . با آرزوی موفقیت برای انجمن فرهنگ و ادب یسه در ذیل به گزارش کوتاهی از آخرین جلسه آن می پرد ازیم :

در پنجمین جلسه کنفرانس انجمن فرهنگ و ادب یسه که در تاریخ ۳ فوریه ۸۵ برابر با ۴ بهمن ماه ۶۳هـ برپا گردید ، آقای رضامرزان درباره " تاریخچه روزنامه نگاری " سخنرانی کردند و در پایان به سئوالات حاضرین در جلسه با در نظر گرفتن محدودیت وقت پاسخ دادند . این برنامه در ساعت ۳ بعد از ظهر آغاز شد و در ساعت ۷ بعد از ظهر خاتمه یافت و در آن تعداد قابل ملاحظه ای از علاقمندان حضور داشتند .

در ابتدای جلسه و قبل از شروع سخنان آقای مرزبان ، خانم همانا طق که در جلسه پیشین " پیرامون سوسیال د مکراسی در انقلاب مشروطیت " سخنرانی کرده بودند در رابطه با نحوه برخورد شان نسبت به آقای خسروشاکری در آن جلسه اشاره نمود ه و با ذکر نکاتی از طرز رفتار خود انتقاد کردند . این عمل خانمنا طق از جسارت و شہامت اخلاقی ایشان ناشی میشود و قابل احترام و تحسین است . تاثیر مثبت

این برخورد صحیح در دستان حاضر در جلسه کاملاً مشهود بود .

آقای مرزبان ضمن سخنان مبسوطی به ذکر تاریخچه روزنامه نگاری در ایران پرداختند و مطالب مفصلی را در این مورد بیان نمودند که شامل نکات آموزنده ای بود و نمایانگر کوشش ایشان در جمع آوری این مجموعه و نقل آنها در یک جلسه محدود بود .

پس از سخنان ایشان ، یکساعت آخر برنامه (طبق روال معمول) به پرسش و پاسخ اختصاص داشت . در این قسمت یکی از حاضرین سئوالی طرح نمود ، سپس خانم همانا طق ضمن تصحیح چند نکته مواردی را یاد آوری نمودند و در عین حال از آقای مرزبان انتقاد کردند که چرا ایشان با در نظر گرفتن حرفه خود و سوابقی که دارند از خاطرات و تجربیاتشان در زمینه روزنامه نگاری از وقایع سالهای اخیر بخصوص در ورن خمینی صحبت نکردند و بهتر بود که در متن سخنرانی خود این مسئله را در نظر می گرفتند . در پاسخ به سئوالها و نظرات فوق آقای مرزبان ابتدا به مطالب مطرح شده از طرف خانمنا طق جواب دادند و ابراز کردند که عسارت ندارند هیچگاه از خود شان و سئائل شخصی شان سخن بگویند . سپس نمونه هایی از تجربیات و خاطرات حرفه خود در ورن سلطنت پهلوی را ذکر نمودند و توضیحاتی را به تفصیل بیان کردند که متأسفانه مقداری از سخنانشان خارج از موضوع مورد نظر بود و وقت جلسه نیز به اتمام رسید .

با توجه به اوضاع مشخص میهن ما و

سرکوب کلیه آزادبهای فردی و اجتماعی بخصوص آزادی بیان و قلم شرکت کنندگان در جلسه فوق ، انتظار داشتند که آقای رضامرزان علاوه بر ذکر تاریخچه روزنامه نگاری به وضع مطبوعات و نقش آنان در ورن کارآمدن رژیم خمینی همچنین در ورن ۶سال اخیر پردازند . بجای بود ایشان نیز با در نظر گرفتن محدودیت زمانی و وسعت مطالب ، به گونه ای وقت را تنظیم میکردند که حضار میتوانند آنرا تجربه کنند . مشخص ایشان در زمینه مطبوعات در سالهای اخیر مطلع گردند . متأسفانه این مسئله تنها اختصاص به سخنرانی آقای مرزبان نداشته و در مورد سایر سخنرانان نیز کم و بیش صادق است و اکثر در جلسات فرهنگ و ادب یسه سخن در ورن حول تاریخچه ها و بیان برخی از مطالب فرعی در ورن میزند و موضوعات آنگونه انتخاب میگردند که بیشتر جنبه بحثهای روشنفکرانه و ورن مسائل مشخص و ملموس ، گنوی و وطن ما را در د امید است که مجریان و سخنرانان محترم بیشتر به مسائل مشخص و موضوعات و مطالب پردازند که در شرایط فعلی برای جنبش آزادبخواهان مرد ایران حائز اهمیت فراوانی است تا بتوان با نقد و نتیجه گیری از آنها ، در آینده در جهت و مسیر سازند ه و صحیحی قدم برداریم و از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری نماییم .

با ما با آدرس زیر مکاتبه نماید:

SAYADI
B.P. 211
92220 BAGNEUX
CEDEX, FRANCE